



علل وقوع زلزله از دیدگاه اسلام

نامزد پوهنبار یعقوب «فاروقی»

دیارتمنت ثقافت اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون بادغیس

Yaqoobfarooqi30@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0002-9679-9461>

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

زلزله، به عنوان یک پدیده طبیعی، به معنی لغزش و لرزش زمین بوده و همیشه نظر انسان‌ها را به خود جلب کرده است. این توجه به خاطر تأثیرات مخرب زلزله و آسیب‌هایی است که می‌تواند به‌جا بگذارد. هدف این تحقیق بررسی دو دیدگاه متفاوت درباره علل پیدایش زلزله است: یکی از منظر اسلامی و دیگری از دیدگاه علم زمین‌شناسی. در منظر اسلامی، زلزله به عنوان نشان‌های از خشم خداوند تلقی می‌شود و تأکید بر اهمیت توبه و اصلاح رفتارهای بشری دارد. در مقابل، زمین‌شناسان معتقدند که زلزله ناشی از عواملی طبیعی و علمی مانند آزاد شدن ناگهانی بخارها و فشارهای درون زمین است و هیچ رابطه‌ای با اعمال انسانی ندارد. روش تحقیق روش تحلیل و توصیف محتوای متون دینی و علمی با استفاده از منابع کتابخان‌های است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که این دو دیدگاه، نه تنها با یکدیگر در تضاد نیستند بل که می‌توانند به عنوان اجزای مکمل یک حقیقت بزرگتر در نظر گرفته شوند. لذا، درک همزمان این دو بعد طبیعی و دینی می‌تواند به درک بهتر پدیده زلزله کمک کند. در نهایت، این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که هر دو بعد طبیعی و دینی باید در درک علل زلزله مورد توجه قرار گیرد و نباید یکی از این دیدگاه‌ها به‌طور کامل رد شود. درک این که زلزله‌ها می‌توانند هم به دلایل طبیعی و هم به دلایل شرعی روی دهند، می‌تواند به ما در فهم بهتر این پدیده کمک کند.

کلید واژه‌ها: حوادث طبیعی، حرکت دادن، زلزله، علت‌ها، لرزش.

Causes of Earthquakes from an Islamic Perspective

Yaqoob "Farooqi"

Author Department of Islamic Culture, Faculty of Jurisprudence, Badghis
 Email University
 Orcid Yaqoobfarooqi30@gmail.com
 0009-0002-9679-9461

Abstract

Earthquakes, as a natural phenomenon, refer to the slipping and shaking of the earth and have always attracted human attention. This attention arises from the destructive effects of earthquakes and the damages they can cause. The purpose of this research is to examine two different perspectives on the causes of earthquakes: one from an Islamic viewpoint and the other from the perspective of earth sciences. In the Islamic view, earthquakes are seen as signs of God's anger, emphasizing the importance of repentance and reforming human behaviors. In contrast, geologists believe that earthquakes are caused by natural and scientific factors, such as the sudden release of gases and pressures within the earth, and have no relation to human actions. The methodology of this study involves analyzing and describing the content of religious and scientific texts using library resources. The findings indicate that these two perspectives are not only not in conflict with one another but can also be considered complementary parts of a larger truth. Therefore, understanding both the natural and religious aspects simultaneously can enhance our understanding of the earthquake phenomenon. Ultimately, this study concludes that both the natural and religious dimensions should be considered in understanding the causes of earthquakes, and neither perspective should be completely dismissed. Recognizing that earthquakes can occur for both natural and religious reasons can help us better understand this phenomenon.

Keywords: earthquake, causes, Islamic perspective, geology, natural events, ground shaking

مقدمه

در دنیای امروز بشر علاوه بر مشکلات، روزمره‌ی زندگی خویش گاهی، با حوادث و بلاهای طبیعی روبرو می‌شوند. همان‌گونه که نسل‌های پیشین انسانی در طول تاریخ یکی پس از دیگری با این بلاها و حوادث طبیعی از قبیل: زلزله، گردباد، حریق جنگلات و سیلاب و از پیامدهای آن در رنج و عذاب بوده‌اند. اکنون اگر چه بشر یاد گرفته تا حدودی با این مشکلات مبارزه نماید، اما هرگز قادر به حذف و یا حتی کنترل قطعی آن‌ها نبوده و نیست و این حوادث همچنان علاوه بر آسیب رساندن به محیط زیست، منجر به ایجاد خسارات و تلفات غم‌انگیز انسانی و غیرانسانی (طبیعی، اقتصادی، و اجتماعی) می‌شود.

زلزله نیز، یکی از پدیده‌های طبیعی است که همواره انسان‌ها را تحت تأثیر قرار داده و به عنوان یک خطر جدی در بسیاری از مناطق جهان شناخته می‌شود. این پدیده نه تنها آثار مخرب بر زندگی انسان‌ها و زیرساخت‌ها دارد، بل که به عنوان یک موضوع علمی و دینی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در اسلام، زلزله و دیگر بلاهای طبیعی به عنوان نشانه‌هایی از قدرت الهی و امتحانات الهی برای بشر تلقی می‌شود. در این راستا، بررسی علل وقوع زلزله از دیدگاه اسلام می‌تواند به درک بهتر این پدیده و نحوه برخورد با آن کمک کند.

از آنجاییکه بلاهای طبیعی، باطن انسان را بیدار و او را وادار می‌سازد تا قبل از دچار شدن به چنین فجایی به دنبال علل وقوع این حوادث باشد که اسباب واقعی این حوادث چیست؟ و آیا آدمی می‌تواند با اعمال خویش در پدید آمدن یا نیامدن زلزله‌ها دخیل باشد؟ آیا این که چه عامل و یا حکمتی می‌تواند در چنین حوادث وحشتناکی دخیل باشند؟ تلاش شده است تا پاسخی هر چند کوتاه بر این سؤالات و تحلیل علل وقوع زلزله از دیدگاه اسلام داده شود. باشد که با توکل به خداوند (جل جلاله) دیدگاه خاص و راهی روشن و راه کاری سودمند ارائه گردد و بشر را به سوی هدف انسانی‌اش که رسیدن به کمال دنیوی و اخروی است، راهنمایی شود.

تبیین مسأله

علل وقوع زلزله را می‌توانیم به عنوان نشانه‌هایی از قدرت الهی، آزمایش بندگان، یا عذاب برای گناهکاران تعبیر نماییم. در قرآن کریم و احادیث نبوی، به بلاهای طبیعی به عنوان عواقب اعمال انسان‌ها اشاره شده است. برخی آیات به صورت مستقیم به عذاب الهی اشاره دارند که ممکن است به شکل زلزله یا دیگر بلاها بروز کند. این موضوع می‌تواند پرسش‌هایی را در باره ارتباط بین اعمال انسانی و وقوع زلزله ایجاد کند. آیا زلزله‌ها به عنوان عذاب الهی برای گناهکاران هستند یا تنها یک پدیده طبیعی هستند که باید با آن سازگار شویم؟

بنابراین، مسأله اصلی این است که چگونه می‌توان علل وقوع زلزله را از دیدگاه اسلام تبیین کرد و چه ارتباطی بین رفتارهای انسانی و این پدیده طبیعی وجود دارد؟ این تحقیق می‌تواند به درک بهتر ما از زلزله‌ها و تأثیرات آن بر زندگی انسان‌ها کمک کند و هم‌چنین به ما بیاموزد که چگونه باید با این بلا یا مواجه شویم.

در نهایت، این بررسی می‌تواند منجر به تقویت ایمان و توجه بیشتر به رفتارهای اخلاقی و اجتماعی ما شود؛ زیرا در آموزه‌های اسلامی تأکید بر نیکوکاری و دوری از گناه همواره مورد تأکید قرار گرفته است.

پرسش‌های تحقیق

سوال اصلی: علل وقوع زلزله از دیدگاه قرآن و سنت چیست؟

سوالات فرعی:

۱. قربانیان زلزله شهید محسوب می‌شوند؟
۲. اعمال انسان در وقوع زلزله دخیل است؟
۳. حکمت در وقوع زلزله چیست؟

اهمیت تحقیق

در هنگام وقوع زلزله طبق عادت، مردم در مورد علل و وقوع این حادثه خطرناک گفتگو می‌کند. افکار، نظریات و حکایات بسیاری را که اکثر آن بی‌اساس و بی‌بنیاد است، اظهار می‌نمایند. از برخی مردم به گونه‌ای شفاهی سخنانی را در باره‌ای اسباب، علل و دیگر موارد زلزله دریافت گردیده است، بنابراین مناسب به نظر آمد که مسائل و احکام این مسأله را تا جای که به شریعت ارتباط دارد، نوشته شود تا این که مسؤولیت دینی و دنیوی خود را اداء نموده و ناآگاهان از آن آگاه گردند و در علم و عمل شان از آن استفاده کنند.

اهداف تحقیق

در تحقیق این مقاله سعی و تلاش صورت گرفته است تا مفاهیم ذیل به شکل واضح و روشن به بحث گرفته شود:

هدف اصلی: بیان علل وقوع زلزله از دیدگاه قرآن و حدیث.

اهداف فرعی

۱. تأثیر زلزله بر روحیه‌ی مسلمانان؛
۲. بررسی ارتباط زلزله با امتحان الهی.

پیشینه‌ی تحقیق

در طول تاریخ، دانشمندان و علمای اسلامی همواره به بررسی و تحقیق در مورد مسائل جدید و پدیده‌های طبیعی پرداخته‌اند. این تلاش‌ها به منظور درک عمیق‌تر از حکمت‌ها و علل وجود این پدیده‌ها انجام می‌شود. یکی از پدیده‌های طبیعی که به آن توجه شده، زلزله است. زلزله به عنوان یک پدیده طبیعی با تأثیرات گسترده بر زندگی بشر شناخته می‌شود و علمای اسلامی به نگارش رساله‌ها و متون علمی پرداخته‌اند که به تبیین علل و حکمت‌های این پدیده اختصاص دارد. در این راستا، دو دیدگاه اصلی در مورد علل زلزله از دیرباز مطرح شده است: یکی از منظر اسلامی، که زلزله را نشان‌های از خشم خداوند و هشدار برای بشر تلقی می‌کند، و دیگری از دیدگاه علم زمین‌شناسی، که زلزله را نتیجه عواملی طبیعی و علمی می‌داند. این پژوهش‌ها نشان‌دهنده تلاش علمای اسلامی برای ایجاد توازن میان آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی معاصر است. در حالی که دیدگاه‌های مختلف نسبت به زلزله وجود دارد، قرآن و متون دینی به عنوان منابع معتبر به تحلیل این پدیده پرداخته‌اند.

پژوهش حاضر ضمن بررسی این دو دیدگاه، به دنبال تحلیل و مقایسه آن‌ها و نشان دادن نقاط مشترک و تضادهای آن‌ها در فهم زلزله و اثرات آن بر زندگی بشر است و می‌تواند به تبیین سازگاری بین ایمان و علم کمک کند.

روش تحقیق

این تحقیق از روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته است و سعی و تلاش شده تا موضوعات را از موثق‌ترین منابع و مآخذ جمع‌آوری گردد.

نتایج و یافته‌ها

اگر خواسته باشیم یک مسأله را به شکل درست و صحیح بشناسیم، در قدم نخست لازم و ضروری است که از آن تعریف داشته باشیم، تا مطالب و مفاهیم آن را به شکل ریشه‌ای درک نمائیم؛ از این جهت در قدم اول معنای لغوی و اصطلاحی زلزله بیان می‌گردد:

زلزله و زَلْزَال معنای حرکت دادن را می‌رساند: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زَلْزَالَهَا» «زمانیکه زمین حرکت داده شود به حرکت دادنی». (خرم‌دل، داکتر مصطفی، (ب.ت)، تفسیر نور، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، سوره زلزال).

زلزال به دو حالت مجاز است هم به کسر و هم به فتح مانند صَلْصَال و وَسْوَاس. بعضی از علماء می‌گویند زلزله از زَلَل گرفته شده که معنای انصراف از استقامت را می‌رساند زَلَّ الْقَوْمُ از استقامت منصرف شدند و در قلوب شان ترس و هراس ایجاد شد وَأَزَلَّ الرَّجُلُ فِي رَأْيِهِ مرد سخنش را گرفت.

(ابن منظور، محمد بن مکرم بن منظور افریقی مصری، (ب. ت) لسان العرب، بیروت: دار صادر، فصل ز)

دانشمندان مفهوم اصطلاحی زلزله را چنین بیان می‌کند: تجمع انرژی در داخل زمین از یک طرف و افزایش نیروی زیاد در درون زمین و عدم تحکم طبقات زمین برای نگهداری این انرژی از طرف دیگر موجب شکسته شدن زمین در بعضی نقاط آن شده و انرژی از محل آن آزاد می‌شود. این شکستگی که اکثراً با جابه‌جایی زمین اتفاق می‌افتد باعث خطرات و ایجاد لرزش زمین می‌شود که به آن زلزله گفته می‌شود. (همان اثر).

سوالی که در اذهان عموم مسلمانان وجود دارد این است که وقتی زلزله می‌شود یک شهر خراب می‌شود و هزاران پیر و جوان و کودک کشته می‌شوند. این بی‌گناهان که کشته می‌شوند از نظر شرعی چه حکم دارد؟ به‌طور کلی حکمت در این کار چیست؟

گاهی الله (جل جلاله) چنین مقرر می‌فرماید تا بندگان عاصی را در دنیا عذاب دهد. زلزله یکی از این عذاب‌ها است. و کسانی که در بین کشته شدگان قرار گرفته در حالیکه مؤمن و موحد بوده‌اند، بنا بر حکمت الهی عمر آن‌ها تمام شده و وضعیت آن‌ها در قیامت متفاوت بوده و حتی از جمله شهداء محسوب می‌شوند.

دانشمندان اسلام چنین مرگی را شهادت می‌پندارند و استدلال به این حدیث می‌نمایند که از حضرت ابوهریره روایت شده است قربانیان زلزله ان شاء الله شهید شمرده می‌شوند. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُوسُفَ أَخْبَرَنَا مَالِكٌ عَنْ سَمِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ (رضی الله عنه) أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و سلم) قَالَ الشَّهَدَاءُ خَمْسَةٌ الْمَطْعُونُ وَالْمَبْطُونُ وَالْعَرِقُ وَصَاحِبُ الْهَدْمِ وَالشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (بخاری، محمد بن اسماعیل أبو عبد الله (۱۹۸۷م)، صحیح البخاری، بیروت: دار ابن کثیر، الیمامة)، صحیح البخاری، باب الشَّهَادَةُ سَبْعُ سَوَى الْقَتْلِ، شماره حدیث: ۲۸۲۹).

در حدیث مذکور یکی از انواع شهداء صَاحِبُ الْهَدْمِ (زیر آواره شده) بیان شده است، یعنی کسی که توسط سقوط و خراب شدن دیوار فوت می‌شود چه توسط زلزله خراب شده باشد یا توسط دیگر حوادث طبیعی، از جمله شهداء محسوب می‌گردد. (ابن حجر، احمد بن علی عسقلانی، (۱۴۲۴ هـ ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالکتب العلمیة، باب الشَّهَادَةُ سَبْعُ سَوَى الْقَتْلِ، ج ۸، ص ۴۳۸).

عوامل مادی و معنوی زلزله

اگر بخواهیم به شناسایی علل زلزله بپردازیم و عوامل آن را بشناسیم علاوه از بررسی عوامل طبیعی زلزله می‌توانیم با رجوع به بهترین و کامل‌ترین منابع موجود، یعنی قرآن و احادیث نبوی (صلی الله علیه و سلم)، به علل حقیقی زلزله پی ببریم.

علل علمی و طبیعی زلزله

از نظر زمین‌شناسان زلزله به عنوان یک پدیده‌ی طبیعی است که ناشی از عبور امواج لرزه‌ای میان سنگ‌ها و پلیت‌های زمین است. انرژی و بخارهای زیادی در میان سنگ‌ها و پلیت‌های زمین ذخیره می‌شود و گرمای داخلی کره زمین سبب حرکت پلیت‌ها می‌گردد، در اثر حرکت پلیت‌ها، شکلی از بخارها و انرژی ذخیره شده در پوسته‌ای زمین به گونه‌ای ناگهانی و سریع آزاد و منفجر می‌شوند که در نتیجه توده‌های سنگی که در حال فشار بر روی یکدیگر هستند، می‌شکنند و به سبب امواج حرکت و آزادسازی انرژی، در زمین لغزش و لرزش به وجود می‌آید. به این زلزله می‌گویند. (مهدی زاده، میرستار، (۱۳۷۳هـ.ش)، زلزله چرا؟، تهران: انتشارات خواجه عبدالله انصاری، ص ۵۵).

تعداد زلزله‌هایی که در سال رخ می‌دهد، خیلی زیاد می‌باشد که اکثر آن‌ها به دلیل کمی مقیاسشان از چهار ریشتر و یا واقع شدن در مناطق غیرمسکونی احساس نمی‌شوند، مگر زلزله‌هایی که مقیاس آن‌ها به چهار ریشتر و یا بیش‌تر از آن برسد و اثر تخریبی وسیعی داشته باشد و یا این که در مناطق مسکونی زمین رخ دهد که در این صورت عموماً خرابی ساختمان‌ها، آتش سوزی، شکاف برداشتن زمین، ایجاد لرزش و جا به جایی در بعضی از قسمت‌های پوسته زمین همراه می‌باشد.

امروزه علت اصلی بروز زلزله را نیروهایی می‌دانند که از بیرون و درون زمین نشأت می‌گیرند و پس از تجمع، باعث شکسته شدن ناگهانی لایه‌های سنگی بالای خود می‌شوند و در این لحظه انرژی آزاد می‌شود و باعث وجود زلزله می‌شود. البته این نتیجه‌گیری حاصل مشاهدات و بررسی سنگ‌های تشکیل دهنده پوسته زمین در نقاط مختلف زمین است. (مهدی زاده، همان اثر، ص ۵۷).

علل معنوی زلزله

در این گفتار به سوالی که در ذهن اکثر انسان‌ها خطور می‌کند پاسخ داده می‌شود که: خداوند (جل جلاله) با ایجاد زلزله از انسان‌ها چه چیز طلب دارد و حکمت در وقوع زلزله چیست؟ که این سوال از دیدگاه سخن رب العالمین و رسول نازنین (صلی الله علیه و سلم) پاسخ خواهد داده شد:

زلزله از دیدگاه قرآن

قرآن کریم با عبارت‌های گوناگون گناه و کردار بد مردم را مستقیماً عامل بلا و عذاب معرفی می‌کند و این در مکتب قرآن اصلی استوار است که همه مسلمین کما بیش با این اصل آشنا هستند و می‌دانند. اگر جامعه‌ای مرتکب گناه و فساد شود، خود را در معرض انواع عذاب‌ها و انتقام‌های الهی قرار می‌دهد و بدون شک مستحق عذاب می‌شود. چنان‌چه در سوره عنکبوت در قسمتی از آیه ۴۵ آمده است: ﴿فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ﴾ [عنکبوت: ۴۰] «ما هر کدام را به گناهش گرفتیم». (خرم‌دل، همان اثر، سوره عنکبوت).

نه تنها در این آیات بل که در آیات متعددی از قرآن «وقوع زلزله» علت عذاب الهی قرار داده شده است و آن‌چه باعث تغییر بنیادین امت‌ها می‌گردد، همانا گناه و کردار بد خود آنان است. خداوند (جل جلاله) در کلام زیبایش علل و اسباب زلزله را بیان داشته که شامل موارد ذیل می‌باشد:

الف: هشدار بندگان

زلزله‌ها از جمله آیات بزرگ خداوند (جل جلاله) در این جهان است که برای یادآوری بندگان یا ترساندن آنان یا برای مجازات گرفتار آن می‌شوند و شایسته است که انسان به هنگام وقوع این نشانه‌ها ضعف و ناتوانی و نیازمندی خود به الله (جل جلاله) را یادآور شود و به درگاه او تضرع و اظهار خاکساری کند تا آن‌که الله (جل جلاله) این بلای بزرگ را از عموم مردم بردارد.

۱- الله (جل جلاله) می‌فرماید: ﴿وَمَا تُرْسِلُ بِالآيَاتِ إِلَّا تَحْوِيفًا﴾. (الاسراء: ۵۹) ترجمه: و ما معجزات را جز برای بیم دادن نمی‌فرستیم. (خرم‌دل، همان اثر، سوره اسراء).

۲- ﴿سَرَّيْهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (فصلت: ۵۳) ترجمه: به زودی نشانه‌های خود را در آفاق و در نفس خودشان به آن‌ها نشان خواهیم داد. تا برای آن‌ها روشن گردد که او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز گواه است؟! (خرم‌دل، همان اثر، سوره فصلت).

۳- ﴿قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ﴾. (الانعام: ۶۵) ترجمه: بگو: او قادر بر آن هست که از فراز سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی، بر شما بفرستد. (خرم‌دل، همان اثر، سوره انعام).

ابو شیخ اصفهانی رحمه الله از مجاهد رحمه الله درباره ی تفسیر این آیه روایت می‌کند که گفت: عذابی که از بالای سر می‌آید، مانند: صدای هولناک، باریدن سنگ و طوفان است. و آن‌چه که از زیر پا می‌آید، مانند: زلزله و فرو رفتن در زمین است. و شکی نیست که در حال حاضر زمین لرزه‌های بسیار زیادی در مناطق مختلف جهان اتفاق می‌افتد. که تمام این‌ها از جمله انذارها و

هشدارهای الهی است که الله (جل جلاله) با آن بندگان را بر حذر می‌دارد و آنان را می‌ترساند. هر آن‌چه که از این نشانه‌ها اتفاق می‌افتد و مردم ضرر و زیان می‌بینند، به دلیل انجام اعمال شرک آمیز، گناه و معصیت است. (تهانوی، حکیم الامت اشرف علی، (۱۴۰۱ هـ ش)، زلزله، علت‌ها و حکمت‌ها، مترجم: عبدالحق حبیبی، کابل: انتشارات حبیبی، ص ۱۷).

زیرا الله (جل جلاله) می‌فرماید: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ (الشوری: ۳۰) ترجمه: اگر شما را مصیبتی رسد، به خاطر کارهایی است که می‌کنید و الله (جل جلاله) بسیاری از گناهان را عفو می‌کند. (خرم‌دل، همان اثر، سوره شوری).

۴- ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ﴾ (النساء: ۷۹) ترجمه: هر خیری که به تو می‌رسد از جانب الله (جل جلاله) است و هر شری که به تو می‌رسد از جانب خود تو است. (خرم‌دل، همان اثر، سوره نساء).

۵- ﴿فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ﴾ (عنکبوت: ۳۷) ترجمه: (ولی) آن‌ها او را تکذیب کردند، و به این سبب زلزله آنان را فراگرفت، و بامدادان در خانه‌های خود به رو در افتاده و مرده بودند! (خرم‌دل، همان اثر، سوره عنکبوت).

ب: وادار به توبه کردن

پس بر مسلمانان و غیر مسلمانان واجب است که از گناهانشان توبه کنند و به سوی الله (جل جلاله) بازگردند، و بر دین اسلامی استقامت ورزند. و از انواع شرک و از هر آن‌چه که الله (جل جلاله) نهی فرموده و گناهان و معاصی دوری کنند، تا مورد عفو و بخشش الله (جل جلاله) قرار گیرند، و در دنیا و آخرت از عذاب الهی نجات یابند، و از شر بلاها در امان بمانند و الله (جل جلاله) نعمت‌های خویش را بر آنان نازل گرداند. چرا که الله (جل جلاله) درباره‌ی اهل کتاب الله (جل جلاله) می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ﴾ (المائدة: ۶۶) ترجمه: و اگر تورات و انجیل و آن‌چه را که از جانب الله (جل جلاله) آن‌ها نازل کرده‌ایم بر پای دارند، از فراز سر و زیر پایشان روزی می‌خورند. (خرم‌دل، همان اثر، سوره مائده).

برای همین فقها رحمهم الله استغفار و دعا و تضرع و صدقه بسیار به هنگام وقوع زلزله‌ها را مستحب دانسته‌اند و همین در هنگام کسوف و خسوف نیز مستحب است.

پس بر ما واجب است، زمانی که زلزله، کسوف، و طوفان، سیل و دیگر نشانه‌های الهی اتفاق می‌افتد؛ به سوی الله (جل جلاله) رجوع کرده و توبه نماییم و از او عفو و بخشش بخواهیم، و او را بسیار یاد کرده و استغفار کنیم؛ زیرا رسول الله (صلی الله علیه و سلم) در هنگام کسوف فرمود:

«فَإِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَافِرُّوا إِلَىٰ ذِكْرِهِ وَدُعَائِهِ وَاسْتِعْفَارِهِ». (صحيح البخارى، باب الذِّكْرِ فِي الْكُشُوفِ، شماره حديث: ۱۰۵۹).

ترجمه: هرگاه چنین چیزی را مشاهده کردید، به یاد الله (جل جلاله)، مشغول شوید و به نماز و توبه روی آورید.

ج: ترحم به مستضعفين

هم چنین مستحب است که در هنگام وقوع زلزله و دیگر حوادث طبیعی به فقرا و مساکین رحم و نیکی کرد و به آنان صدقه داد؛ زیرا رسول الله (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: «اِزْحَمُوا تُرْحَمُوا». (روایت احمد، جزء یازدهم، شماره حديث: ۷۰۴۱). ترجمه: رحم کنید تا مورد رحمت قرار گیرید. و هم چنین می فرماید: «الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ اِزْحَمُوا أَهْلَ الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنْ فِي السَّمَاءِ». (سنن ابی داود، باب فی الرحمة، شماره حديث: ۴۹۴۱). ترجمه: کسانی که به دیگران رحم می کنند الله رحمن به آنان رحم می کند؛ پس رحم کنید بر کسانی که در زمین اند تا کسانی که در آسمانند بر شما رحم کنند. و در حديث دیگر رسول الله (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: «مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ». (صحيح البخاري، باب رحمته الصبيان والعيال وتواضعه وفضل ذلك، شماره حديث: ۲۳۱۸). ترجمه: کسی که رحم نکند، مورد رحم قرار نمی گیرد.

رسول الله (صلی الله علیه و سلم) می فرماید: «مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ». (صحيح البخارى، باب لَا يَطْلُمُ الْمُسْلِمُ الْمُسْلِمَ وَلَا يُسْلِمُهُ، شماره حديث: ۲۴۴۲، و صحيح المسلم، باب تحريم الظلم، شماره حديث: ۶۷۴۳). ترجمه: هر کس، در صدد برآورده ساختن نیاز برادر مسلمانش باشد، الله (جل جلاله) در صدد رفع نیازهای او بر می آید.

از عمر بن عبد العزيز (رضی الله عنه) نقل شده که در نامه‌ای به تمام والیانش چنین نوشت: زمانی که زلزله‌ای رخ داد به فقراء و مساکین صدقه و خیرات بدهید. (ابن باز، عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز، بیروت: دار ابن کثیر، صص ۱۵۰-۱۵۲).

علامه زکریا انصاری (رحمه الله) می گوید: «مستحب است که هرکس به هنگام زلزله‌ها و دیگر وقایع مانند صاعقه و طوفان با دعا به درگاه خداوند (جل جلاله) تضرع نماید و در خانه به تنهایی نماز بخواند تا از جمله غافلان نباشد؛ زیرا پیامبر (صلی الله علیه و سلم) هنگام وزیدن باد می فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَخَيْرَ مَا أُسَلِّتُ بِهِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَشَرِّ مَا أُزَلِّتُ بِهِ». (صحيح المسلم، باب التَّعَوُّذِ عِنْدَ رُؤْيَةِ الرِّيحِ وَالْغَيْمِ وَالْفَرَجِ بِالْمَطَرِ). (صحيح المسلم، شماره حديث: ۲۱۲۲). (خداوند (جل جلاله) من از تو خیر آن و خیری که در آن هست و خیری که برایش فرستاده شده را می خواهم و از شر آن و شری که در آن هست و شری که برایش فرستاده

شده به تو پناه می‌برم). (ابن حجر الهیتمی الشافعی، شهاب الدین احمد بن محمد بن علی، (۶۷۶هـ ق) تحفة المحتاج بشرح المنهاج. بیروت: دارالفکر، ج ۳، ص ۶۵).

د: امر به معروف و نهی از منکر

اما از اسباب سالم ماندن از این گونه عذاب‌ها این است که مسئولان حکومت‌ها مردم را به امر به معروف و نهی از منکر دعوت کنند و بر اساس شریعت و دین الهی حکم کنند؛ زیرا الله (جل جلاله) می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾. (التوبة: ۷۱) ترجمه: مردان مؤمن و زنان مؤمن دوستان یکدیگرند به نیکی فرمان می‌دهند و از بدی‌ها باز می‌دارند. و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِذَا مَا كُنَّا فِي الْأَرْضِ أَلْمَأُومُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾. (الحج: ۴۰-۴۱) ترجمه: کسانی که اگر در زمین آن‌ها را قدرت ببخشیم نماز را برپای می‌دارند و زکات [اموال] را می‌پردازند و به کار خوب فرمان می‌دهند و از کار زشت باز می‌دارند، و سرآن جام کارها به الله باز می‌گردد. (خرم‌دل، همان اثر، سوره حج).

بعد از مشاهده دلایلی از قرآن مجید جا دارد که همه مردم از جان و دل فقط خداوند (جل جلاله) را فرمانروای عظیم جهان بدانند و همواره به حمد و ثنای او مشغول باشند و بدانند که علت وقوع زلزله آن جام گناه و معصیت است.

بخش دوم: زلزله از دیدگاه سنت

عوامل بسیاری از عذاب‌ها و گرفتاری‌های بشر در احادیث و روایات بی‌شماری از رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) و صحابه رضی الله عنهم وارد شده است که به اختصار نمونه ای از آن را بیان می‌کنیم. الف: از ابن ابی الدنیا چنین روایت شده است که: «إِنَّ الْأَرْضَ زَلَزِلَتْ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و سلم)، فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَيْهَا ثُمَّ قَالَ: «اسْكُنِي، فَإِنَّهُ لَمْ يَأْنِ لَكَ بَعْدُ» ثُمَّ التَفَّتْ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: «إِنَّ رَبِّي كَمْ يَسْتَعْتِبُكُمْ فَأَعِيبُوا»». (ابن القیم الجوزیه، أبو عبدالله محمد بن أبی بکر بن ایوب المعروف بـ ابن القیم الجوزیه، الجواب الکافی لمن سأل عن الدواء الشافی، مكة المكرمة: دار عالم الفوائد، ج ۱، ص ۱۱۲).

ابن ابی الدنیا روایت می‌کند که یک‌بار در دوران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) زلزله واقع شد، آن حضرت دست خود را بر زمین نهاد و فرمود: ایستاد باش! تا حال زمان آن فرا نرسیده است (انشاء به معنای اخبار است؛ یعنی وقت قیامت فرا نرسیده، از این جهت آرام باش). سپس به صحابه متوجه شده فرمودند: خدای شما از شما می‌خواهد که توبه کنید.

ب: در حدیثی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) خطاب به مهاجرین فرمودند: «ای گروه مهاجرین! پنج حالت هستند که من پناه می‌خواهم که شما به آن مبتلا گردید:

- ۱- هرگاه قومی آشکارا مرتکب عمل فحشا و بی‌حیایی شود در میانشان بیماری طاعون و بیماری‌های دیگری که در گذشتگان نبوده است (مثل ایدز) شیوع پیدا می‌کند؛
- ۲- هرگاه ملتی در وزن و پیمانانه کمی کند (کم‌فروشی نماید) به قحط سالی و تنگدستی و ظلم حکام مبتلا می‌گردد؛
- ۳- هرگاه قومی از ادای زکات امتناع ورزد از باریدن محروم می‌شوند و اگر حیوانات نمی‌بودند اصلاً باران نمی‌بارید؛
- ۴- هرگاه قومی عهد خدا و رسولش را بشکنند خداوند متعال دشمنی بی‌گانه را بر آنها مسلط می‌کند که دارایی آنها را (به زور و چپاول) می‌برد؛
- ۵- هرگاه رهبران و پیشوایان، کتاب خداوند (جل جلاله) را پیاده نکنند و آنچه را که خداوند (جل جلاله) نازل کرده اختیار ننمایند خداوند (جل جلاله) (وحدت‌شان را از بین می‌برد و) در میانشان جنگ و اختلاف می‌اندازد. (تهانوی، حکیم الامت اشرف علی، (ب.ت)، سعادت و شقاوت در پرتوی اعمال، مترجم: مولانا محمد قاسم قاسمی، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، صص: ۲۲-۲۳).
- ج:** در روایتی از ابن ابی الدنيا آمده است که شخصی از حضرت عایشه رضی الله عنها درباره‌ی زلزله سؤال کرد؛ حضرت عائشه رضی الله عنها فرمود: هرگاه مردم زنا را به عنوان یک امر مباح (جایز) علناً انجام بدهند و شراب بنوشند و موسیقی بشنوند آنگاه است که الله تعالی در آسمان به غیرت می‌آید و به زمین دستور می‌دهد که این‌ها را زیر و رو کن.
- د:** روایت شده است که حضرت عمر بن عبدالعزیز رضی الله عنه در نقاط مختلف قلمروی خود نامه-هایی بدین شرح ارسال کرد: «... آگاه باشید که زلزله در زمین علامت عقاب و عذاب الهی است. من به مردم کلیه شهرها ابلاغ می‌کنم که در تاریخ فلان از ماه فلان بیرون بروند و دعا و تضرع نمایند و هر کس پولی دارد در راه الله (جل جلاله) نفاق کند.....»
- ه:** در احادیث پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وسلم) اشاره به زلزله‌های عظیم و هولناک در آخر الزمان و قرب قیامت شده است، از جمله: روی البخاری عن ابي هريره قال قال رسول الله (صلی الله علیه وسلم): «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَقْبِضَ الْعِلْمُ، وَتَكْثُرَ الزَّلَازِلُ، وَتَتَقَارَبَ الزَّمَانُ، وَتَظْهَرَ الْفِتْنُ، وَيَكْثُرَ الْهَرْجُ - وَهُوَ الْقَتْلُ الْقَتْلُ - حَتَّى يَكْثُرَ فِيكُمْ الْمَالُ فَيَفِيضُ». (صحيح البخاری، باب مَا قِيلَ فِي الزَّلَازِلِ وَالْآيَاتِ، شماره حدیث: ۱۰۳۶).
- امام بخاری رحمه الله حدیث پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) را به نقل از حضرت ابوهریره (رضی الله عنه) چنین روایت می‌فرماید: قیامت برپا نمی‌شود تا مادامی که علم از بین برود و زلزله‌ها زیاد گردد

و زمان به هم نزدیک شود و فتنه‌ها سربرآورد و هرج و مرج که قتل و کشتار باشد، افزونی یابد. و تا زمانی که در بین شما، مال دنیا بیش از حد نیاز، زیاد گردد.

و: و هم‌چنان در زمان خلافت سیدنا فاروق اعظم (رضی الله عنه) زلزله‌ای رخ داد که باعث رعب ایشان و اصحاب گردید. حافظ ابن عبد البر أندلسی در کتاب «التمهید» می‌نویسد: در زمان حضرت عمر (رضی الله عنه) زلزله‌ای رخ داد که امیرالمومنین فرمود: شما به گناه آلوده شده‌اید، اگر دوباره زمین بلزد من از این جا می‌روم. (اندلسی، حافظ ابن عبد البر، ب. ت)، التمهید، بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۳، ص ۳۱۸). منظور از کلمه «من از این جا می‌روم» این است که با شما زندگی نخواهم کرد.

ز: علامه ابن القیم رحمه الله در «الجواب الکافی» روایت می‌کند که عمر بن عبدالعزیز رحمه الله در وقت خلافت خود برای شهرها و کشورهای زبردست خود نامه فرستاد و نوشت: «پس از ثنا و ستایش، بدانید که این زلزله‌ها پدیده‌ای هست که خدای متعال به وسیله‌ای آن بندگان را عتاب نموده از آنان توبه می‌خواهد». (ابن القیم الجوزیه، همان اثر، ج ۱، ص ۱۱۲).

در بیان این دو علت کدام منافات و ضدیتی وجود ندارد؛ چون که یک مسبب، اسباب متعدد داشته می‌تواند که بعضی اسباب قریبه و بعضی اسباب بعیده هستند، یعنی اسباب الاسباب. به‌طور مثال می‌بینیم که به یک شخص سخن خشم‌آوری گفته می‌شود که به سبب آن خشمگین می‌شود و خشم سبب افروختن حرارت بدن او می‌گردد در نتیجه دماغ و مغز او آسیب می‌بیند و به بیماری سرسام مبتلا می‌شود و می‌میرد. سبب این مرگ بیماری سرسام است که سخن درست است. اشتعال حرارت و خشم نیز سبب این مرگ است که سخن درست است. سبب اولی سخن خشم آور بود نیز سبب این مرگ است که درست است.

در میان این‌ها کدام تعارض و تناقضی وجود ندارد. البته کسی که با فن طبابت اصلاً آشنایی نداشته باشد هنگامی که این واقعه را بشنود که فلان شخص با یک کلمه‌ای خشم‌آور (دشنام دادن) مرده است، باوجود این که خبر دهنده فرد صادق باشد، وی را دروغ‌گو خطاب می‌کند که این سخن اصلاً از روی قیاس و عقل درست نیست.

هنگامی که مردم با طب روحانی آشنا نباشند و حقوق و فاعلیت خدای متعال، زیان و آثار معاصی و گناهان، ارتباط باهمی مسببات و اسباب پنهانی را ندانند، زمانی که این‌گونه مطالب را بشنوند، بدون سند و دلیل، بر اساس رأی نارسا و فهم ناقص و کوتاه خود همه‌چیز را انکار نموده و خود را مصداق این آیه کریمه قرار می‌دهد که خداوند (جل جلاله) می‌فرماید: ﴿بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾. (یونس: ۳۹) ترجمه: بل که آنان چیزی را تکذیب می‌کنند که اصلاً آگاهی از آن ندارند و واقعیت آن برای ایشان روشن نشده است. (خرم‌دل، همان اثر، سوره یونس).

اگر چنین گفته شود که الله (جل جلاله) از جهت کثرت معاصی بندگان خشمگین می‌شود و می‌خواهد که زمین را به حرکت درآورد، آنگاه اجزای ناریه و بخارها را ایجاد می‌کند و به‌وسیله‌ی آن زمین را می‌لرزاند و دستور می‌دهد که فرشتگان آن رگ‌های پنهانی زمین را نیز بکشند که به مانند قوت کهربایی از چشم‌ها و دیدگان پوشیده است و فلاسفه در انکار و تکذیب آن به مانند عوام و نادانانی هستند که از ایشان از افعال بزرگ قوت کهربایی انکار می‌کند. پس سبب حقیقی اولی زمین لرزه، معاصی و گناهان بندگان است و سبب ظاهری و قریب آن بخارها و غیره هستند. باید به خوبی بدانید که علت زلزله گاهی اسباب طبیعی هست و گاهی اسباب شرعی، هنگامی که شریعت با نهایت انصاف علت طبیعی را انکار نمی‌کند، پس انصاف نیست که فلسفه بدون دلیل، علت شرعی را تکذیب کند.

اما این سخت حضرت فاروق اعظم (رضی الله عنه) که علت زلزله تنها معاصی و گناهان است، این سخن بر همان زلزله ویژه (آن وقت) حمل می‌شود و دلیلی وجود ندارد که آن را علت برای مطلق زلزله قرار داد؛ پس ثابت می‌شود که شریعت و دانشمندان زمین‌شناس در بیان علت باهم تعارض ندارند و رهروان حکمت از آن به هیچ گونه‌ای، نه باروش اثبات و نه باروش نفی، نمی‌توانند اعتراض کنند و شبهه‌ای برای ایجاد تعارض نیز در آن وجود ندارد. (تهانوی، زلزله، علت‌ها و حکمت‌ها، همان اثر، ص ۱۴).

نتیجه‌گیری

وقوع زلزله از دیدگاه اسلام می‌تواند به ما یادآوری کند که این پدیده‌های طبیعی نه تنها نشان‌های از قدرت و عظمت الهی هستند، بل که فرصتی برای تفکر عمیق‌تر در باره رفتارهای انسانی و ارتباطات اجتماعی نیز محسوب می‌شوند، زلزله‌ها می‌توانند به عنوان آزمونی از سوی خداوند (جل جلاله) برای سنجش ایمان و صبر ما تلقی شوند و به ما یادآوری کنند که زندگی دنیوی موقتی است و باید به ارزش‌های اخلاقی و معنوی توجه کنیم. هم‌چنین، این بلا یا می‌تواند ما را به همدلی، کمک به یکدیگر و اصلاح رفتارهای اجتماعی تشویق کنند. در نهایت، با توجه به علم و دانش، می‌توانیم به پیش‌گیری از عواقب ناگوار این پدیده بپردازیم و با تقویت ایمان و ارتباطات انسانی، جامعه‌ای مقاوم‌تر و همدل‌تر بسازیم.

از متون این مقاله دانسته شد که علل وقوع زلزله از دیدگاه قرآن به گناهان انسان‌ها مرتبط است. قرآن کریم در آیات مختلف، اعمال نادرست و گناه‌آلود بشر را به عنوان عامل عذاب الهی، مانند زلزله، معرفی می‌کند. از جمله آیات می‌توان به آیه‌ای ۴۰ سوره عنکبوت اشاره کرد که به پیامدهای گناه مردم اشاره کرده است.

اعمال انسان بازیگر عمده‌ای در وقوع زلزله‌ها هستند. قرآن کریم به وضوح اشاره می‌کند که هر مصیبتی که به ما می‌رسد حاصل اعمال خودمان است. به عنوان مثال، آیه‌ای ۳۰ سوره الشوری به این اشاره دارد که گناهان و فساد اجتماعی می‌تواند به شکل زلزله و بلاهای طبیعی نمود پیدا کند. اما قربانیان زلزله، به ویژه کسانی که مؤمن و موحد بوده‌اند، در دیدگاه اسلامی شهید محسوب می‌شوند. روایتی از حضرت ابوهریره به این موضوع اشاره دارد که قربانیان زلزله جزء شهیدان هستند. این امر نشان‌دهنده رحمت و حکمت خداوند است که مرگ این افراد را به عنوان شهادت در نظر می‌گیرد. حکمت در وقوع زلزله، یادآوری و هشدار به بندگان است تا از خواب غفلت بیدار شوند و به توبه و بازگشت به خداوند بپردازند. هم‌چنین، زلزله می‌تواند وسیله‌ای برای پاک‌سازی انسان‌ها از گناهان و نواختن توبه باشد. در احادیث آمده است که زلزله‌ها از نشانه‌های عذاب الهی هستند و باید به عنوان یادآوری برای اصلاح رفتارها و انگیزه‌ای برای توبه در نظر گرفته شوند.

پیشنهادهات

۱. تحقیقات بین‌رشته‌ای درباره زلزله: پیشنهاد می‌شود دولت به حمایت از پروژه‌های تحقیقاتی که به بررسی دست‌آوردهای علمای دین و دانشمندان در مورد ارتباط زلزله و علل اجتماعی، اقتصادی و دینی می‌پردازند، بپردازد. این کار می‌تواند به ارایه یک دیدگاه جامع‌تر کمک کند.
۲. آموزش و آگاهی‌رسانی: ایجاد برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های عمومی برای ارتقاء آگاهی جامعه درباره خطرات زلزله و نقش رفتارهای انسانی در وقوع بلاها، بر اساس مطالعات علمی و دینی، می‌تواند مؤثر باشد.
۳. توسعه زیرساخت‌های مقاوم: دولت می‌تواند با تأمین اعتبار لازم برای تحقیقات و پروژه‌های ساختمانی مقاوم در برابر زلزله، به استحکام بناها و کاهش خسارت‌ها توجه کند. توجه به اصول علمی در طراحی و ساخت، زمینه‌ساز افزایش ایمنی خواهد بود.
۴. تشویق به همکاری‌های جامعه‌محور: ترغیب مراکز پوهنتونی و دینی به همکاری برای تدوین برنامه‌های مشترک در زمینه پژوهش‌های زلزله‌شناسی و تأثیرات اجتماعی آن، می‌تواند به احترام به باورهای دینی و علمی کمک کند.
۵. گزارش‌گیری و تحلیل وضع موجود: پیشنهاد می‌شود دولت تیم‌های کارشناسی تشکیل دهد تا به جمع‌آوری و تحلیل داده‌های مربوط به زلزله‌ها، تأثیرات آن‌ها بر جامعه و راه کارهای علمی و فنی برای کاهش آسیب‌پذیری بپردازند.

منابع

قرآن کریم

- ابن القيم الجوزية، أبو عبدالله محمد بن أبي بكر بن أيوب المعروف بـ ابن القيم الجوزية، الجواب الكافي لمن سأل عن الدواء الشافي، مكة المكرمة: دار عالم الفوائد.
- ابن باز، عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز، بيروت: دار ابن كثير.
- ابن حجر الهيتمي الشافعي، شهاب الدين احمد بن محمد بن علي، (۶۷۶هـ ق) تحفة المحتاج بشرح المنهاج. بيروت: دارالفكر.
- ابن حجر، احمد بن علي عسقلاني، (۱۴۲۴ هـ ق)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بيروت: دارالكتب العلمية.
- ابن منظور، محمد بن مكرم بن منظور افريقي مصري، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
- اندلسي، حافظ ابن عبدالبر، (ب. ت)، التمهيد، بيروت: دارالكتب العلمية.
- بخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله، (۷/۱۴هـ ق - ۱۹۸۷م)، صحيح البخاري. بيروت: دار ابن كثير، اليمامة.
- ترمذی، محمد ابو عيسى بن عيسى سلمی. (ب. ت)، سنن الترمذی. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- تهانوی، حکیم الامت اشرف علی، (۱۴۰۱هـ ش)، زلزله، علتها و حکمتها، مترجم: عبدالحق حبیبی، کابل: انتشارات حبیبی.
- تهانوی، حکیم الامت اشرف علی، (ب. ت)، سعاد و شقاوت در پرتوی اعمال، مترجم: مولانا محمد قاسم قاسمی، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- خرم دل، دکتر مصطفی، (ب. ت)، تفسیر نور، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
- سجستانی، سلیمان بن الأشعث الأزدي (۱۴۲: ه ق). سنن ابی داود. بیروت: دارالفکر.
- شیبانی، أبو عبدالله (جل جلاله) حمد بن محمد بن حنبل بن هلال، (المتوفى: ۲۴۱ هـ ق)، مسند الامام احمد بن حنبل، قاهره: دارالمعارف
- مهدی زاده، میرستار، (۱۳۷۳هـ ش)، زلزله چرا؟، تهران: انتشارات خواجه عبدالله انصاری.
- نيسابوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري، (ب. ت). الصحيح المسلم، بيروت: دار هاشمي، سيد م إحياء التراث العربي.